

روم رؤیا را تثبیت می‌کند - شماره چهارده

بازتاب‌های مسیح و شکل‌گیری تصویر وحش: قرینه‌ای نبوی در ایام آخر

Jeff Pippenger

2024-09-02

خط نبوتی که مشخص می‌کند چه زمانی ایالات متحده تصویر برای و به شبه وحش پدید می‌آورد، همان هنگام است که شاخ پروتستان‌تیسیم در حال شکل دادن صورت مسیح است. آن شکل‌گیری به‌طور خاص در فصل دهم دانیال تعیین شده است، زمانی که دانیال بینش آینه‌گون سبب‌ساز «marah» را مشاهده می‌کند. دانیال نماینده‌ی کسانی است که به مسیح می‌نگرند و بدین‌سان منش مسیح را باز می‌تابانند. آن صد و چهل و چهار هزار نفری که در فصل دهم به‌وسیله‌ی دانیال نمایانده می‌شوند، تنها هنگامی که به منش او می‌نگرند، صورت مسیح را در درون شکل می‌دهند. با نگرستن دگرگون می‌شوند.

تصویر وحش بازتاب خود وحش است و شکل‌گیری تصویر وحش آزمون بزرگی برای قوم خداست که به‌واسطه آن سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد. وقتی کلیساهای پروتستان زمام حکومت ایالات متحده را به دست گیرند، تصویری از نظام اتحاد کلیسا و دولت شکل داده خواهند بود که نمایانگر ساختار کنترلی است که قدرت پاپی پیش از آن که حمایت سیاسی از آن سلب شود، به کار می‌گرفت. در همان بازه زمانی، تصویر مسیح در قوم روزهای آخر او پدید خواهد آمد. با این‌حال، کسانی بودند که با دانیال بودند اما رؤیا را ندیدند، زیرا از رؤیا گریختند. آنان در آزمون شکل‌گیری تصویر وحش مردود شدند، زیرا در زمان امتحان نپذیرفتند که تصویر مسیح در درونشان شکل بگیرد.

اصل روحانی انعکاس با نگرستن در آینه‌ای تحقق می‌یابد که نمایانگر مسیح است و چون بینش «marah» بینشی علی است، تصویر مسیح در آینه، تصویر مسیح را در انسانیت پدید می‌آورد. آینه‌ای واقعی تصویر کسی را که به آن می‌نگرد باز می‌تاباند، اما کاربرد روحانی این اصل، متغیرهایی مرتبط با آینه دارد. کسانی که صرفاً «شنونده کلام‌اند و عمل‌کننده نیستند»، «به خود می‌نگرند و به راه خود می‌روند و بی‌درنگ فراموش می‌کنند چه‌گونه انسانی بودند». آن‌ها به آینه می‌نگرند و تنها انسانیت را می‌بینند.

گروه دیگر، همان کسانی‌اند که «شنونده‌ای فراموش‌کار نیستند، بلکه انجام‌دهنده کارند»؛ آنان شریعت خدا را می‌بینند و مسیح را در آینه می‌نگرند. کار این است که بفهمیم اصل انعکاس، واقعیتی «طبیعی» و واقعیتی روحانی دارد. دانیال کسانی را که این «کار» را انجام دادند به تصویر می‌کشد، زیرا در باب‌های نهم و دهم کاری را نشان می‌دهد که اصل روحانی انعکاس را پدید می‌آورد.

در آن روزها، من، دانیال، سه هفته تمام سوگواری بودم. نان لذیذ نخوردم، نه گوشت و نه شراب به دهانم آمد، و به هیچ‌وجه خود را تدهین نکردم، تا سه هفته تمام به پایان رسید. دانیال ۱:۰، ۲.

جبرئیل بخشی از تعبیر رؤیای فصل هشتم را به دانیال داده بود، اما دانیال همه آن را نفهمیده بود.

و من، دانیال، بیهوش شدم و چند روزی بیمار بودم؛ سپس برخاستم و به کارهای پادشاه پرداختم؛ و از آن رؤیا در شگفت ماندم، اما هیچ‌کس آن را نفهمید. دانیال ۸:۲۷.

خواهر وایت به ما می‌گوید که دانیال در پی درک تعبیر پیام باب هشتم دانیال بود؛ پیامی که جبرئیل آن را در باب نهم نزد دانیال آورده بود.

میلر با جدیتی نو و عمیق‌تر به بررسی نبوت‌ها ادامه داد؛ شب‌ها همچون روزها به مطالعه چیزی می‌پرداخت که اکنون از چنان اهمیت شگرف و دل‌مشغولی تمام‌گیر برخوردار می‌نمود. در باب هشتم کتاب دانیال هیچ سرنخی برای نقطه آغاز دو هزار و سیصد روز نمی‌یافت؛ فرشته جبرئیل، هرچند مأمور شده بود دانیال را از رؤیا آگاه سازد، تنها توضیحی جزئی به او داد. چون آزار هولناکی که می‌بایست بر کلیسا فرود آید در برابر دید پیامبر آشکار شد، قوای جسمانی‌اش فرو ریخت. دیگر تاب نیاورد، و فرشته برای مدتی از او دور شد. دانیال «بیهوش شد و چندی بیمار بود». او می‌گوید: «و من از رؤیا در شگفت ماندم، اما هیچ‌کس آن را درنیافت.»

باین همه خدا به فرستاده خود فرمان داده بود: «این مرد را از معنای رؤیا آگاه ساز.» آن مأموریت باید انجام می‌شد. در اطاعت از آن، فرشته، اندکی بعد، نزد دانیال بازگشت و گفت: «اکنون آمده‌ام تا به تو بصیرت و فهم بدهم؛» «پس امر را بفهم و رؤیا را ملاحظه کن.» دانیال ۸:۲۷، ۹:۲۲، ۲۳، ۲۵-۲۷. در رؤیای باب هشتم یک نکته مهم بود که بی‌توضیح مانده بود، یعنی آنچه به زمان مربوط می‌شد—دوره ۲۳۰۰ روز؛ از این رو فرشته، وقتی توضیح خود را از سر می‌گیرد، عمدتاً به موضوع زمان می‌پردازد. مناقشه عظیم، ۳۲۵.

در باب دهم به ما خبر داده می‌شود که دانیال از «رؤیا» و «امر» درک داشت، اما دانیال خواهان نور بیشتری بود؛ از این رو دل خود را بر آن نهاد که آن درک را بیابد و بیست و یک روز روزه گرفت. با این کار، او نماینده کسانی در ایام آخر است که اصل روحانی انعکاس را که اصل طبیعی انعکاس نمونه آن است، درمی‌یابند. آن درک در اعمال آنان نمود پیدا می‌کند، و اعمالشان به نمایندگی دانیال، جست‌وجوی درک درست از کلام نبوی خداست. تضاد آشکار با کسانی که از رؤیا گریختند این است که آنان در پی درک صحیح از کلام نبوی خدا نبودند.

حقیقت کلام نبوتی خدا که دانیال به‌عنوان کسی که برای فهم آن تشنه است به تصویر کشیده شده است، نور ایام آخر است، زیرا دانیال نماد یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. از این رو، دانیال نماینده گروهی است که در پی فهم نور کلام نبوتی خدا هستند؛ نوری که به‌عنوان آزمون نهایی پیش از پایان یافتن مهلت معرفی شده است. در این راستا، همین مکاشفه عیسی مسیح است که درست پیش از پایان مهلت مهرگشایی می‌شود، و نیز همان آزمونی است که به‌صورت شکل‌گیری تصویر وحش به تصویر کشیده شده است.

شکل‌گیری تصویر وحش، مستقیماً فرایند چگونگی پدید آمدن آن تصویر را مشخص می‌کند. این واقعیت بدون آن که نخست موضوع اصلی آزمون، یعنی وحش، شناسایی شود، به‌درستی قابل تعیین نیست. این خود وحش است که چگونگی شکل‌گیری تصویر را تعیین و مشخص می‌کند.

اما «تصویر برای وحش» چیست؟ و چگونه باید شکل بگیرد؟ این تصویر به‌دست وحش دوشاخ ساخته می‌شود و تصویری برای آن وحش است. همچنین «تصویر وحش» نیز خوانده می‌شود. پس برای اینکه بدانیم این تصویر چگونه است و چگونه باید شکل بگیرد، باید ویژگی‌های خود آن وحش، یعنی پاپیت، را مطالعه کنیم.

وقتی کلیسای اولیه با دور شدن از سادگی انجیل و پذیرفتن آیین‌ها و رسوم بت‌پرستانه فاسد شد، روح و قدرت خدا را از دست داد؛ و برای کنترل وجدان‌های مردم، در پی حمایت قدرت دنیوی برآمد. نتیجه آن نظام پاپی بود: کلیسایی که قدرت دولت را در اختیار گرفت و آن را برای پیشبرد مقاصد خود، به‌ویژه برای مجازات «بدعت»، به کار برد. برای آن‌که ایالات متحده تصویری از وحش پدید آورد، قدرت دینی باید چنان بر حکومت مدنی مسلط شود که اقتدار دولت نیز به دست کلیسا برای تحقق مقاصد خود او به کار گرفته شود. مناقشه بزرگ، ۴۴۳.

برای اینکه «بدانیم تصویر چگونه است و چگونه باید شکل بگیرد، باید ویژگی‌های خود آن وحش—یعنی نظام پایی—را مطالعه کنیم.» این همان وحش است که آن رؤیایی را برپا می‌کند؛ رؤیایی که آزمون روزهای واپسین است و درست پیش از بسته شدن مهلت پدید می‌آید. دانیال رؤیا و امر را فهمید.

در سال سوم کوروش پادشاه پارس، امری به دانیال، که نامش بلطشصر بود، مکشوف شد؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱:۱۰.

این رؤیا همان رؤیای «mareh» مربوط به دو هزار و سیصد سال است. «thing» همان واژه عبری «dabar» است به معنای «word». همان واژه («dabar») که در آیه ۱ به «thing» ترجمه شده، در فصل ۹ آیه ۲۳ به «matter» ترجمه شده است.

آری، هنگامی که در دعا سخن می‌گفتم، همان مرد، جبرئیل، که در آغاز رؤیا او را دیده بودم، در حالی که به شتاب پرواز می‌کرد، در وقت قربانی شامگاهی مرا لمس کرد. و مرا آگاه ساخت و با من سخن گفت و گفت: ای دانیال، اکنون آمده‌ام تا به تو بصیرت و فهم بدهم. در آغاز تضرعات فرمان صادر شد و من آمده‌ام تا تو را آگاه سازم؛ زیرا بسیار محبوبی. پس این امر را بفهم و رؤیا را در نظر آور. دانیال ۹:۲۱-۲۳.

جبرئیل در پاسخ به دعای دانیال نزد او می‌آید؛ دعایی که با بینشی مرتبط است که دانیال هنگامی یافته بود که دریافته بود در اسارتی قرار دارد که پراکندگی فصل بیست و ششم سفر لاویان آن را نشان می‌دهد.

در سال نخست سلطنت او، من، دانیال، از روی کتاب‌ها شمار سال‌هایی را دریافتم که کلام خداوند درباره آنها به ارمیا نبی رسیده بود، که خرابی‌های اورشلیم هفتاد سال به درازا خواهد کشید. دانیال ۹:۲.

اسارتی که ارمیا مشخص کرده بود، دانیال را به اسارت «هفت بار» که توسط موسی ثبت شده بود رساند؛ اسارتی که هم «سوگند» بود و هم «لعنت».

آری، تمامی اسرائیل از شریعت تو سرپیچی کرده و حتی روی برتافته‌اند تا به آواز تو اطاعت نکنند؛ از این رو لعنت بر ما فرو ریخته است و سوگندی که در شریعت موسی، خدمتگزار خدا، نوشته شده، بر ما جاری گشته است، زیرا که به او گناه کرده‌ایم. و او کلام خود را، که بر ضد ما و بر ضد داورانی که ما را داوری می‌کردند گفته بود، با آوردن بلایی عظیم بر ما تحقق بخشید؛ زیرا زیر تمامی آسمان، چیزی مانند آنچه بر اورشلیم شده است انجام نگرفته است. چنان‌که در شریعت موسی نوشته شده، همه این بلاها بر ما آمده است؛ اما نزد خداوند، خدای خود، دعا نکردیم تا از گناهان خود بازگردیم و راستی تو را دریابیم. دانیال ۹:۱۱-۱۳.

با استناد به دو شاهد ارمیا و موسی، دانیال دریافت که ویرانی‌ای که بر اورشلیم وارد آمده بود همان «لعنت» «موسی» بود که بر اسرائیل باستان «ریخته شده» بود. خواهر وایت از گواهی ارمیا با عنوان «شهادت برای کلیسا» یاد می‌کند، و از این حیث ارمیا را به عنوان روح نبوت ایام آخر شناسایی می‌کند، زیرا «شهادت برای کلیسا» در ایام آخر همین امر است. ارمیا نماینده روح نبوت است و موسی نماینده کتاب مقدس.

دانیال نماینده کسانی در ایام آخر است که از آن دو شاهد درمی‌یابند که پراکنده شده‌اند، و از کتاب مقدس و روح نبوت درمی‌یابند که بیدار شده‌اند؛ همان‌گونه که دانیال به این حقیقت بیدار شد که در اسارت بوده است، و اینکه آن اسارت در کلام نبوی خدا بیان شده بود.

تجربه قوم خدا در آخرالزمان، تجربه ده باکره است.

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیست را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

زمان درنگِ مَثَل ده باکره نمایانگر همان بیداری‌ای است که دانیال در باب نهم تجربه کرد. بر اساس دو شاهد مقدس، دانیال دریافت که تمام زندگی‌اش تحقق نبوتی معین در کلام خدا بوده است. آن نبوت دانیال را به راه‌حلی که برای آمادگی او در برابر آنچه قرار بود در باب بلافاصله بعد بر او واقع شود لازم بود، رهنمون کرد. همچنین، وقتی پیروان میلر مَثَل ده باکره را تحقق بخشیدند، لازم بود بیدار شوند و دریابند که ناامیدی و تأخیر نخستین ایشان را به خواب برده بود. تمامی انبیا نمایانگر ایام آخِرند.

بیداری دانیال و پیروان میلر دو شاهد بر بیداری صد و چهل و چهار هزار نفر در روزهای آخر هستند.

عیسی و تمام لشکر آسمانی با همدردی و محبت بر کسانی نگریستند که با انتظاری شیرین مشتاق دیدار آن کسی بودند که جان‌هایشان دوستش می‌داشت. فرشتگان گِرداگرد آنان در پرواز بودند تا در ساعت آزمایش‌شان ایشان را نگه دارند. کسانی که از پذیرفتن پیام آسمانی غفلت کرده بودند، در تاریکی رها شدند، و خشم خدا بر ضدشان افروخته شد، زیرا نخواستند نوری را که او از آسمان برایشان فرستاده بود بپذیرند. آن وفادارانِ نومید که نمی‌توانستند بفهمند چرا خداوندشان نیامد، در تاریکی رها نشدند. بار دیگر به سوی کتاب مقدس‌هایشان هدایت شدند تا ادوار نبوی را جست‌وجو کنند. دستِ خداوند از روی اعداد برداشته شد و خطا روشن گردید. دیدند که ادوار نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یابد و همان شواهدی که برای نشان دادن پایان یافتن ادوار نبوی در ۱۸۴۳ عرضه کرده بودند، ثابت می‌کرد که آن ادوار در ۱۸۴۴ خاتمه خواهند یافت. نوری از کلام خدا بر موضعشان تابید و زمان درنگ را کشف کردند— «اگرچه [رؤیا] درنگ کند، منتظرش بمان.» در محبتشان به آمدن فوری مسیح، درنگ رؤیا را که مقرر بود منتظران حقیقی را آشکار کند، از نظر انداخته بودند. باز زمانی معین داشتند. با این همه، دیدم که بسیاری از ایشان نتوانستند بر نومیدی شدید خود فائق آیند تا به آن اندازه از غیرت و نیرو دست یابند که در ۱۸۴۳ ایمانشان را مشخص ساخته بود. نوشته‌های اولیه، ۲۳۶.

در تحقق آن مثل، پیروان میلر «تأخیر رویا را نادیده گرفته بودند»، اما آنان «دوباره» «به کتاب مقدس‌شان رهنمون شدند تا دوره‌های نبوی را جست‌وجو کنند. دستِ خداوند از روی اعداد برداشته شد و اشتباه توضیح داده شد.» دانیال به کتاب مقدس رهنمون شد و «دستِ خداوند» از روی «دوره‌های نبوی» برداشته شد، و هنگامی که دانیال به‌عنوان عمل‌کننده، نه صرفاً شنونده، با ایمانی فعال و از طریق به‌جا آوردن دستورهایی که در لایوان فصل بیست‌وشش آمده است، و نیز چاره‌جویی و حل وضعیت پراکندگی قوم خدا، ثابت کرد که پیام ارمیا و موسی را فهمیده است، آنگاه «توضیح» به دانیال داده شد.

هنگامی که صد و چهل و چهار هزار نفر، مدتِ انتظارِ آن مَثَل را در تحقق نهایی و کامل‌ترین صورتِ آن در روزهای آخر به پایان برسانند، این کار را در دوره‌ای انجام خواهند داد که "تشکیل تمثال وحش" آزمون بزرگ آنان است.

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«چون میوه به بار آید، بی‌درنگ داس در آن می‌زند، زیرا موسم درو فرا رسیده است.» مسیح با اشتیاقی سوزان در انتظار تجلی خود در کلیسای خویش است. وقتی که شخصیت مسیح به‌طور کامل در قوم او بازتولید شود، آنگاه خواهد آمد تا آنان را به‌عنوان از آن خود تصاحب کند. درس‌های تمثیلی مسیح، صفحه ۶۹.

این تاریکی سوءفهم نسبت به خداست که جهان را در بر گرفته است. مردمان شناخت خود از شخصیت او را از دست می‌دهند. آن به اشتباه فهمیده و نادرست تفسیر شده است. در این زمان باید پیامی از جانب خدا اعلام شود؛ پیامی که در اثرگذاری اش روشنگر و در قدرتش نجات‌بخش است. شخصیت او باید شناسانده شود. بر تاریکی جهان باید نور جلال او، نور نیکویی، رحمت و حقیقت او بتابد.

این همان کاری است که پیامبر اشعیا با این کلمات بیان کرده است: «ای اورشلیم بشارت‌آور، آوازت را به قوت بلند کن؛ آن را بلند کن، مترس؛ به شهرهای یهودا بگو: اینک خدای شما! اینک، خداوند خدا با دستی نیرومند خواهد آمد و بازوی او برای او سلطنت خواهد کرد؛ اینک، پاداش او با اوست و کار او پیش روی اوست.» اشعیا ۴۰:۹، ۱۰.

«آنان که در انتظار آمدن داماد هستند باید به مردم بگویند: "اینک خدای شما." آخرین پرتوهای نور رحمت، آخرین پیام رحمت که باید به جهان داده شود، آشکار شدن سرشت محبت‌آمیز اوست. فرزندان خدا باید جلال او را آشکار کنند. آنان باید در زندگی و شخصیت خود نشان دهند که فیض خدا برایشان چه کرده است.» درس‌های تمثیلی مسیح، ۴۱۵.